

قرص هایی که یک زندگی را ویران کرد

قصه‌های دادگاه | بهمن عبدالحی خیرنگار

زوج پزشک زندگی مشترکشان را از هیچ اما با عشق شروع کرده بودند، اما حالا همه چیز دارند جز عشق و علاقه. زندگی آنها به بن بست رسیده و طوفان اعتیاد جزیره خوشبختی شان را ویران کرده است.

پرونده این زوج در یکی از طبقات فوقانی مجتمع قضایی خانواده ونجک در حال رسیدگی بود. در شعبه ۲۷۶ دادگاه خانواده؛ جایی که از پنج‌ره‌اش می‌شد آسمان دودآلود تهران را در چشم‌اندازی وسیع مشاهده کرد. زندگی مشترک «حمیرا» و «شاهرخ» نیز شباهت زیادی با آسمانی داشت که ابتدا درخشان و پرتراوت بود و حالا از فراطبر و غبار در انتظار صاعقه به سر می‌برد.

حمیرا به تنهایی مقابل قاضی «غلامرضا احمدی» نشست به گونه‌ای که شاهرخ دستبند به دست با مأمور کلانتری وارد شد. زن و شوهر نگاهی به هم انداختند و دور از یکدیگر روی صندلی نشستند. قبل از اینکه قاضی بررسی پرونده را شروع کند، مرد به همسرش گفت: «خجالت نمی‌کشی برای ۴۰ سکه حکم جلب برابم گرفته‌ای؟» و زن جواب داد: «تو خجالت نمی‌کشی با دسته چک امانت مادرم ۵۰۰ میلیون بدهی برای آن بیچاره درست کرده‌ای؟»

اما مشکل اصلی حمیرا و شاهرخ نه مهریه بود و نه چک برگشتی. آنها مالک دو مؤسسه ترک اعتیاد

و کلینیک زیبایی، آپارتمان لاکچری و ویلا، خودروی خارجی و حساب میلیاردی بودند که در حقیقت اعتیاد به قرص ترامادول، ناامیدی را به

زندگی مشترک آنها تزریق کرده بود. ماجرای آشنایی این زن و شوهر از ۵ سال قبل کلید خورده بود. حمیرا تازه برای گذراندن طرح پزشکی عمومی خود به یکی از شهرهای کوچک جنوبی

رفته بود که شاهرخ را دید. گرچه شاهرخ ۱۰ سال بزرگتر بود، اما از نگاه حمیرا او مردی خوش لباس، مؤدب با

چشم‌اندازی گیرا به نظر می‌آمد. هر دو در یک بیمارستان مشغول به کار بودند، شاهرخ به عنوان پزشک عمومی و حمیرا به عنوان پزشک تازه کار. کم‌کم در مورد درس و تحصیل و کار بینشان

رد و بدل می‌شد رنگ و بوی دیگری گرفت و بالاخره یک روز شاهرخ پیشنهاد ازدواج داد، اما حمیرا شش ماه فرصت خواست تا شناخت کافی از هم پیدا کنند. در موعد مقرر دختر

جوان به خانواده‌اش اطلاع داد که آماده پذیرایی از خواستگارش باشند، اما درست یک روز قبل از مراسم شاهرخ اعتراف کرد که قبلاً ازدواج ناموفقی داشته و به خاطر ترس از دست دادن عشق تازه‌اش جرأت

نکرده این راز را افشا کند. حمیرا که از شنیدن این واقعیت شوکه شده بود تصمیم گرفت موضوع را از خانواده‌اش پنهان نگه دارد. با این حال سبک بزرگی مقابل پای داماد عاشق پیشه انداخت و خواستار سکه طلا به تعداد سال تولدش شد. شاهرخ هم با خوشحالی سینه‌اش را

جلو داد و گفت: «حتی اگر یک میلیون سکه هم باشد قبول می‌کنم»، حمیرا اما باز هم راضی نشد و این بار حق طلاق را نیز درخواست کرد که باز هم مورد موافقت قرار گرفت. خانواده‌ها نیز پذیرفتند و خیلی زود اتوبوس سرنوشت، حمیرا و شاهرخ را مقابل دفترخانه ازدواج پیاده کرد.

چند ماه پس از عقد، عروس و داماد به خانه خودشان در تهران پا گذاشتند تا زندگی مشترکشان را زیر یک سقف آغاز کنند، آن هم خانه‌ای کلنگی که توسط پدر حمیرا بازسازی شده بود. واقعیت این بود که شاهرخ نه خانه‌ای

داشت و نه پس اندازی. هر چه داشت بابت مهریه همسر قبلی‌اش داده بود و حتی جشن ساده‌ای هم ترتیب نداد. جدا از این، طرح کارروزی حمیرا پایان یافته و او وارد دوره تخصصی شده بود، در حالی که شاهرخ در آزمون ورودی

رد شد، نخستین اختلاف آنها از همان روزهای اول بروز کرد. زن جوان اصرار می‌کرد همسرش در جایی به طبابت مشغول شود و قدری از بار هزینه‌ها

را به دوش بکشد اما شاهرخ حاضر نبود در هر درمانگاه و بیمارستانی کار کند و تنها به مدیریت ریاست فکر می‌کرد. هر چه بود با کمک هزینه

دانشگاه و کار پاره وقت حمیرا روزگار می‌گذراندند تا اینکه شاهرخ نشانه‌های رخوت و بی‌حوصلگی را از خودش نشان داد. دائم بهانه‌گیری می‌کرد، در میهمانی‌ها حاضر نمی‌شد. شب‌ها بی‌خواب بود و وقت و بی‌وقت عرق می‌کرد. شاهرخ این نشانه‌ها را از عوارض بیکاری و تنهایی‌اش در خانه می‌دانست. یک

سال بعد حمیرا موفق شد نظر یکی از دوستانش را برای شراکت در یک مؤسسه ترک اعتیاد جلب کند و بدین ترتیب شاهرخ شغلی که همواره در جست‌وجویش بود؛ یعنی مدیریت به دست آورد. اما شش ماه بعد به خاطر ناسازگاری شراکت را به هم زد و دوباره به خانه برگشت. این بار حمیرا با وام

و قرض گرفتن از خانواده یک مؤسسه شخصی راه انداخت. یک سال بعد مؤسسه به سوددهی رسید و مراجعان زیادی پیدا کرد تا جایی که یک مؤسسه دیگر به نام شاهرخ ثبت کردند و حالا دیگر هر کدام به تنهایی مؤسسه‌ای را مدیریت می‌کردند. در سومین

سال زندگی، آنها به یک آپارتمان بزرگ و شیک نقل مکان کردند، هر کدام یک خودروی خارجی خریدند و حساب‌های بانکی‌شان روز به روز

پرتر می‌شد. در چهارمین سال بعد از ازدواج یک کلینیک زیبایی بزرگ راه انداختند و دو مؤسسه قبلی را اجاره دادند. حالا درآمدشان به بالاتر از

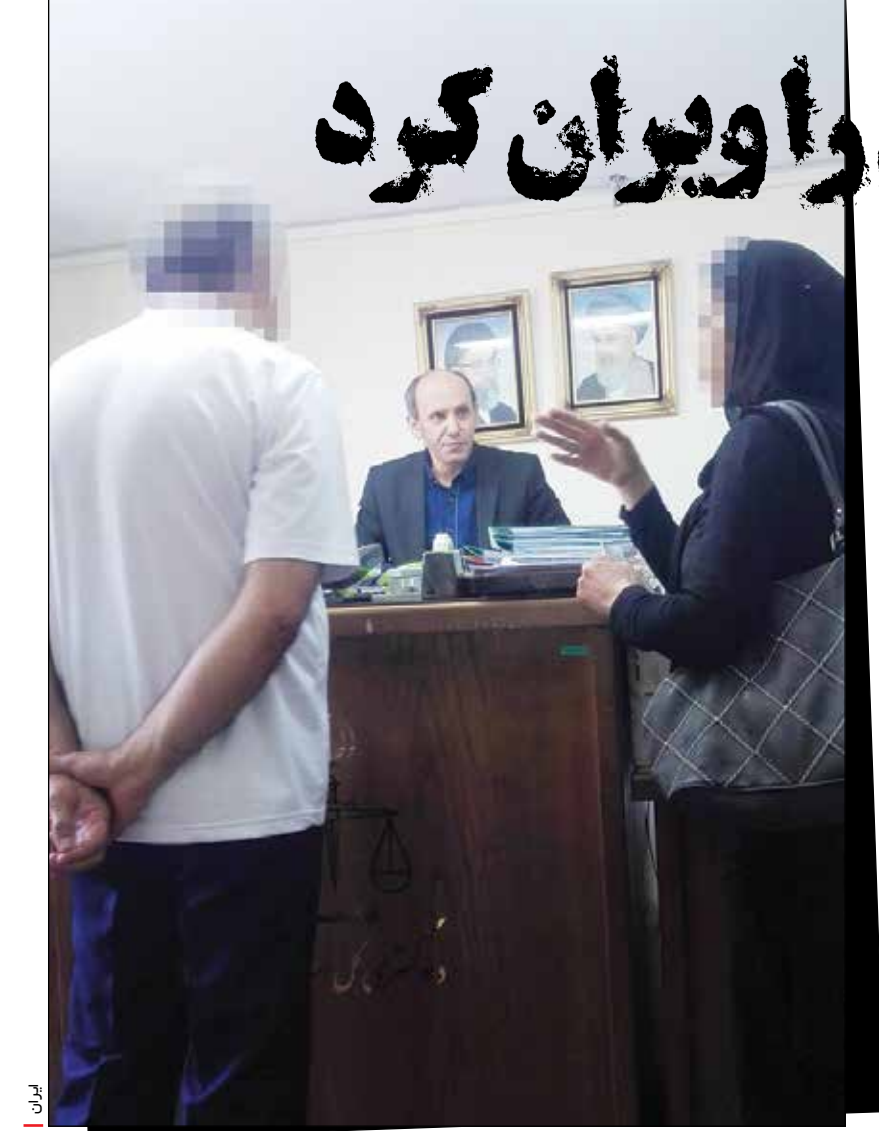
۱۰۰ میلیون تومان در ماه رسیده بود و احساس می‌کردند در اوج خوشبختی قرار دارند. اما در یکی از سفرهای

تفریحی به خارج از کشور شاهرخ تشنج کرد و تا مرز مرگ پیش رفت. همان جا بود که پزشکان از تلخی را بر حمیرا آشکار کردند. آنها با بررسی آزمایش‌ها و نشانه‌های دیگر فهمیده بودند که وی به قرص‌های ترامادول

معتاد است و به خاطر مصرف بی‌رویه به این حال افتاده است. حمیرا در کنسوری غریب درمانده و ناامید و پشیمان از گذشته تنها به این فکر می‌کرد که اتوبوس سرنوشتشان به

پیچ خطرناکی نزدیک شده است. هر چه بود شاهرخ چشم باز کرد و به ایران برگشتند. اما او مسئولیت دروغی را که به همسرش گفته بود نپذیرفت. با این حال حمیرا دست به تحقیق زد و متوجه شد که نه تنها همسرش از همان روزهای آشنایی به مصرف قرص ترامادول اعتیاد داشته بلکه در

دوره شراکت در مؤسسه ترک اعتیاد هم به خاطر مصرف مواد مخدر با معناتان مراجعه‌کننده اختلاف پیدا کرده است. یک روز از همان روزها حمیرا مدارک مربوط را جلوی همسرش گذاشت و توضیح خواست اما شاهرخ با التماس خواست که همسرش تنه‌اش نگذارد



ایران

و فامیل حمیرا بودند، ماجرای اعتیاد آقای دکتر لو رفت. خانم دکتر دیگر تصمیم گرفته بود یک بار برای همیشه زندگی مشترک با شاهرخ را به پایان برساند. یک شب روبروی شوهرش نشست و گفت بهتر است راهشان را از هم جدا کنند، شاهرخ قبول نکرد و حمیرا تصمیم گرفت مهریه سنگین‌اش را به طور قانونی درخواست کند. آقای دکتر هم که توان پرداخت چنین رقمی را نداشت با استفاده از چک مادرزنش - که به طور امانت در اختیار داشت - چک‌های متعددی نوشت و به شرخرها داد. درست یک ماه پیش بود که شاهرخ به پرداخت ۱۱۰ سکه از مهریه محکوم شد و چون از پرداختش شانه خالی کرده بود تحت تعقیب قرار گرفت. حمیرا موفق شد شب پیش از دادگاه با استفاده از حکم جلب سیار شوهرش را بازداشت کند.

حالا هر دو در دادگاه منتظر رسیدگی قاضی احمدی بودند. قاضی پس از بررسی مدارک و مستندات به شاهرخ گفت: «با توجه به اینکه تعدادی از دستگاه‌های نرم‌بوست و مو متعلق به کلینیک شما توسط همسران ضبط شده، شما باید ۴۰ سکه طلا به همسران بپردازید در غیر این صورت

به زندان هدایت خواهید شد.» شاهرخ توضیح داد که همسرش را دوست دارد و حمیرا هم در جواب به حق طلاق قانونی‌اش اشاره کرد. در ادامه شاهرخ که راه گریزی نداشت قبول کرد دسته چک امانتی و چک

۵۰۰ میلیونی را پس بدهد تا پرونده حقوقی را در دادگاه دیگر ببندند. تعداد ۱۰ سکه هم بپردازد و روز طلاق هم ۳۰ سکه دیگر پرداخت کند. زن جوان هم قبول داد در صورت واگذاری کلینیک زیبایی باقی مهریه‌اش را ببخشد. بدین ترتیب هر دو طرف پرونده پای بره‌ها را امضا کردند و از دادگاه خارج شدند. آن هم در حالی

که اتوبوس سرنوشت زن و شوهر پزشک در ایستگاه طلاق از حرکت ایستاده بود.

در ترک کردن این قرص‌ها کمکش کند. حمیرا هم تأکید کرد در صورت مصرف دوباره قرص او را برای همیشه ترک خواهد کرد. شاهرخ به قولش درباره مصرف نکردن قرص عمل کرد، اما این بار به مواد مخدر رو آورد و از آنجا که بیشتر کارمندان کلینیک زیبایی و مؤسسه ترک اعتیاد از آشنایان

آرزوکیهان | مریم

حوادث جهان



خلیج نیوز

الماس‌های مسروقه به صاحبش برگشت

زوج چینی که ۳۰۰ میلیون دلار الماس را از هند ربوده بودند در فرودگاه دوبی دستگیر شدند.

به گزارش خلیج نیوز، زوج سارق الماس‌ها را از یک جواهر فروشی در «نایف» هند دزدیده بودند و سعی داشتند از طریق فرودگاه دوبی خود را به چین برسانند.

اطلاعات پلیس نشان می‌دهد که صاحب جواهر فروشی پس از ۳ ساعت متوجه سرقت الماس‌ها شد و با پلیس تماس گرفت. «عبدالله ال مری» از پلیس دوبی در این باره گفت: «زوج سارق بلافاصله شناسایی شدند. آنها سعی داشتند الماس‌ها را به چین منتقل کنند. ارزش الماس‌ها ۳۰۰ میلیون دلار بود که زوج حرفه‌ای با گمراه کردن ذهن جواهر فروش موفق به دزدیدنش شدند.»

نجات نوزاد شناور در دریا

یک ماهیگیر نیوزیلندی موفق شد نوزاد ۱۸ ماهه‌ای را از آب‌های ساحلی اقیانوس نجات دهد.

به گزارش بی‌بی‌سی، این ماهیگیر در حال صید بوده که ناگهان متوجه کودک ۱۸ ماهه‌ای شد که روی آب شناور بود.

برخورد مرگبار دو هواپیما در کانادا

فرود آمده است و هر دو نفر سالم هستند. خلبانی که از این حادثه جان سالم به در برده است، هم‌چیز بسیار سریع اتفاق افتاد. وی که شاهد سقوط هواپیما در منطقه جنگلی بود، می‌گوید نمی‌داند هواپیما سقوط کرده در حال انجام مانور هوایی بوده یا هواپیما شخصی بوده که دچار حادثه شده است.

برخورد دو هواپیما کوچک در آسمان اوتاوا کانادا یک کشته برجنگذاشت.

برگزارش دیلی استار، هر دو هواپیما در آسمان با یکدیگر برخورد کرده و یکی از آنها سقوط کرده است.

گزارش‌های رسیده نشان می‌دهد که هواپیما دیگری در زمان حادثه دوسر نشین داشت در فرودگاه بین‌المللی اوتاوا



دیلی استار

۵ ماه شنا دور بریتانیا



تایم‌اسی

مرد انگلیسی ۲۸۶۵ کیلومتر را در ۵ ماه شنا کرد.

به‌گزارش بی‌بی‌سی، این مرد ۳۳ ساله سفرش را از یک ژوئن آغاز کرد و در حالی آن را در کنت (جنوب شرقی بریتانیا) به پایان رساند که در یک مایل (۱۶۰۰ متر) آخر مسیر ۳۰۰ شناگر او را همراهی کردند. او حدود پنج ماه پایش را روی زمین نگذاشت و در این مدت ۵۰۰ موز خورد. رژیم غذایی او در این مدت حاوی ۱۵۰۰ کالری انرژی بود.

او که ۱۲ ساعت در روز شنا می‌کرد، در این مدت مجبور بود با جزو و مد و فشار جریان آب در هوای سرد مبارزه کند. طوفان‌های قدرتمند، عروس‌های دریایی و شنا کردن در شرایط جوی اواخر پاییز از موانعی بودند که سر راه این مرد برای رسیدن به این رکورد قرار داشتند.

اوپس از رسیدن به خشکی به بی‌بی‌سی گفت که با توجه به مدت طولانی حضورش در دریا باید یکبار دیگر راه رفتن روی زمین را تمرین کند.

این شناگر در میان اشک شوق هوادارانش که دور او حلقه زده بودند، پایان این سفر را جشن گرفت. به‌گفته اتحادیه جهانی شنا در آب‌های آزاد او اواسط ماه اوت و در هفتاد و چهارمین روز سفرش رکورد جهان را شکست. او آوریل ۲۰۱۶ در یک مسابقه بالا رفتن از طناب که ۱۹ ساعت طول کشید شرکت و اسمش را وارد کتاب رکوردهای گینس کرد. او در این مسابقه مسافتی معادل ارتفاع کوه اورست (۸۸۴۸ متر) را از طناب بالا رفت.

ساخت هتل زیر دریا

تنها هتل زیر دریا با امکانات باورنکردنی در مالدیو ساخته شد.

به‌گزارش سی‌ان‌ان، این هتل زیبا در دل اقیانوس هند و در جزیره «رانگالی» با طراحی شگفت‌انگیزی کنار مرجان‌ها و دیگر موجودات

بانک گیاهان در خطر انقراض



سلیس

دانشمندان بریتانیایی برای پیشگیری از نابودی گیاهان در خطر انقراض همچون بلوط و آووکادو بن‌ذرا این گیاهان را در بانک گیاهی نگهداری می‌کنند. به گزارش ساینس، محققان بذرهایی یخ زده را در دمای ۲۰- درجه سانتی‌گراد نگهداری می‌کنند و این بذرها در صورت لزوم کاشته خواهد شد. بنا بر تحقیقات انجام شده بیش از یک سوم گیاهان کره خاکی نابود شده و فرصتی برای احیای این گیاهان باقی نمانده است اما دانشمندان تلاش می‌کنند تا مانع نابودی گونه‌های بیشتر گیاهی شوند که حضورشان در چرخه حیات و محیط زیست اهمیت دارد. با این وجود محققان معتقدند با این روش نمی‌توان همه بذرهایی درختان را حفظ کرد زیرا بذر برخی درختان به این روش قابل نگهداری نیست و این موضوع وضعیتی نگران‌کننده را به وجود آورده است.

بازداشت معلم

به خاطر کتک زدن دانش آموز

معلم خشمگین آمریکایی به اتهام کتک زدن دانش آموز ۱۴ ساله‌اش دستگیر شد.

به گزارش سی‌ان‌ان، این معلم که در دبیرستانی در کالیفرنیا مشغول به کار بوده هنگام تدریس با این دانش‌آموز درگیر شد و با دخالت مأموران گارد امنیتی دبیرستان دستگیر شد.

دیگر دانش‌آموزان کلاس از لحظه درگیری معلم خود فیلم گرفته و در فضای مجازی منتشر کرده‌اند.



سی‌ان‌ان



دریایی ساخته شده است. مشتریان هتل می‌توانند در اتاق خواب شبیه‌ای خود از همه طرف نمای ماهی‌ها و دیگر موجودات دریایی را مشاهده کنند. هزینه یک شب اقامت در این هتل ۵۰ هزار دلار است.

دختر هندی قربانی پدر متعصب



تایم‌اسی

خانواده یک دختر ۱۳ ساله هندی پس از آنکه متوجه شدند وی با همسایه خود ارتباط پنهانی داشته سرش را بریدند. به‌گزارش دهلی نیوز، اطلاعات پلیس محلی «تامیل نادو» نشان می‌دهد رفتار متعصبانه اعضای خانواده دختر عامل اصلی قتل وحشیانه‌اش شده است. مأموران پلیس در این ارتباط پدر دختر «دانش کومار» را بازداشت کرده‌اند. این در حالی است که دختر ۱۳ ساله به مادرش گفته بود که مرد همسایه قصد آزارش را داشته اما اعضای خانواده به جای تنبیه مرد مزاحم دخترشان را کشتند.



سی‌ان‌ان